

DOI: 10.20241403/CRPS.2502.1034.2.4.3

## آسیب‌های سیاسی و جامعه‌شناختی دونالد ترامپ بر اساس منظر تئوری

## مرد دیوانه

سیدمحمدرضا موسوی فرد<sup>۱</sup>

## چکیده

با نگاهی به تاریخ سیاسی در خواهیم یافت تاریخچه مفهوم «نظریه مرد دیوانه» حداقل به سال ۱۵۱۷ میلادی برمی‌گردد، زمانی که نیکولو ماکیاولی در شاهزاده نوشت که گاهی اوقات شبیه‌سازی جنون کاری بسیار عاقلانه است. اینجاست که می‌بینیم دونالد ترامپ با نگاهی کاملاً محاسبه شده و تجربه شده تاریخی پا به عرصه سیاست گذاشته است. دقیقاً به شعار نیکوماکیاولی جامعه حقیقت پوشانده است، با این پیش فرض مضاف بر آن تجربه کردن دوره قبلی ریاست جمهوری ترامپ و همچنین پیروزی وی در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا شناخت شخصیت ایشان بر اساس این نظریه می‌تواند اهمیت و ضرورت مقاله حاضر لحاظ گردد. در مقاله پیش‌رو با نگاهی توصیفی-تحلیلی و با بهره گرفتن از جمع آوری اسنادی و کتابخانه‌ای در پی شناخت آسیب‌های سیاسی و جامعه‌شناختی ترامپ رئیس‌جمهور معاصر آمریکا بر اساس منظر تئوری مرد دیوانه می‌باشیم. مفروض این مقاله نیز بر این عقیده استوار است که بخشی از رفتارهای وی بخشی ناشی از ویژگی‌های ذاتی و برخی دیگر بر اساس این تئوری با محاسبه دقیق و منفعت‌گرا شکل می‌گیرد.

**کلمات کلیدی:** آسیب‌شناسی، جامعه‌شناسی، ترامپ، تئوری مرد دیوانه

شماره ۲(۵)

سال ۲

تابستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۲/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۶

صص: ۶۴-۴۸



<sup>۱</sup> استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

mousavifard136394@gmail.com

**استناد:** موسوی فرد، سیدمحمدرضا. (۱۴۰۴). آسیب‌های سیاسی و جامعه‌شناختی دونالد ترامپ بر اساس منظر تئوری مرد دیوانه. شناخت پژوهی

مطالعات سیاسی، ۲(۲)، ۴۸-۶۴. doi: 10.20241403/CRPS.2505.1049.2.5.3

Mousavifard, S. M. (2025). The Political and Sociological Damages of Donald Trump from the Perspective of the Madman Theory. (e224301). Cognitive research of political studies, 2(2), 48-64. doi: 10.20241403/CRPS.2505.1049.2.5.3



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

## مقدمه

شناخت رهبران سیاسی و درک شخصیت، باورها، ارزش‌ها و سبک رهبری آن‌ها یکی از عوامل کلیدی در تحلیل و پیش‌بینی رفتارهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها است. رهبران سیاسی به‌عنوان بازیگران اصلی در عرصه‌ی سیاست داخلی و بین‌المللی، تأثیر عمیقی بر جهت‌گیری‌های کلان یک کشور و روابط آن با دیگر کشورها دارند. شناخت دقیق رهبران می‌تواند به درک بهتر سیاست‌ها، اهداف و اقدامات آن‌ها کمک کند و حتی بر نحوه‌ی تعامل دیگر کشورها با آن‌ها تأثیر بگذارد. نوعاً باورها و ایدئولوژی شخصی رهبران می‌تواند جهت‌گیری‌های سیاسی آن‌ها را شکل دهد. برای مثال، رهبرانی که به ملی‌گرایی افراطی معتقدند، ممکن است سیاست‌های تهاجمی‌تری در پیش بگیرند. شناخت شخصیت و سبک رهبری یک رهبر می‌تواند به دیگر کشورها کمک کند تا استراتژی‌های دیپلماتیک مؤثرتری را در تعامل با آن رهبر طراحی کنند. به‌عنوان مثال، درک تمایل یک رهبر به مذاکره یا مقاومت می‌تواند به پیش‌بینی نتایج مذاکرات بین‌المللی کمک نماید. اگر بخواهیم از دید مطالعات میان‌رشته‌ای به قضیه بنگریم شناخت رهبران سیاسی و تأثیر آن بر سیاست یکی از موضوعات اساسی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است که نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های کلان یک کشور دارد. رهبران سیاسی به‌عنوان بازیگران اصلی در عرصه‌ی سیاست، با شخصیت، باورها، ارزش‌ها و سبک رهبری خود، تأثیر عمیقی بر سیاست‌های داخلی و خارجی می‌گذارند. شناخت دقیق این رهبران نه تنها به درک بهتر اقدامات و تصمیمات آن‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به پیش‌بینی رفتارهای آینده و بهبود روابط بین‌المللی نیز منجر شود. شخصیت رهبران سیاسی، از جمله سبک رهبری آن‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌ها ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال، رهبران کاریزماتیک که توانایی جذب و الهام‌بخشی به مردم را دارند، اغلب تمایل به اقدامات جسورانه و تغییرات بزرگ دارند، در حالی که رهبران بوروکراتیک ممکن است رویه‌های محتاطانه‌تر و ساختارمندتری را دنبال کنند. علاوه بر این، باورها و ایدئولوژی شخصی رهبران نیز جهت‌گیری‌های سیاسی آن‌ها را شکل می‌دهد. برای مثال، رهبرانی که به ملی‌گرایی افراطی یا ایدئولوژی‌های خاصی معتقدند، ممکن است سیاست‌های تهاجمی‌تری را در پیش بگیرند. تجربیات شخصی رهبران، مانند پیشینه‌ی نظامی، تحصیلات یا شرایط خاص زندگی آن‌ها، نیز می‌تواند بر تصمیمات سیاسی آن‌ها تأثیر بگذارد. رهبران ممکن است در شرایط مختلف رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهند که این امر پیش‌بینی اقدامات آن‌ها را دشوار می‌کند. در اینجا با روش انتقادی یا گفتمانی و با بهره‌جستن از جمع‌آوری اسنادی و کتابخانه‌ای در پی شناخت

آسیب‌های سیاسی و جامعه‌شناختی ترامپ رئیس‌جمهور معاصر آمریکا بر اساس منظر تئوری مرد دیوانه می‌باشیم. مفروض این مقاله نیز بر این عقیده استوار است که بخشی از رفتارهای وی بخشی ناشی از ویژگی‌های ذاتی و برخی دیگر بر اساس این تئوری با محاسبه دقیق و منفعت‌گرا شکل می‌گیرد.

## ۱- پیشینه و ادبیات پژوهش

با تحقیقات و جستجویی که صورت پذیرفت موضوعی که ارتباط معنایی و مفهومی با جستار حاضر داشته باشد یافت نشد، ولی به رسم تحقیقات کلاسیک با مختصراً به برخی منابع در اینجا می‌پردازیم:

مقاله با موضوع، ارزیابی سیاست خارجی ایالات متحده در زمینه مبارزه با تروریسم در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما و دونالد ترامپ به قلم رواند و دیگر همکاران که در سال (۱۴۰۱) در فصلنامه جامعه‌شناسی به چاپ رسیده است، یافته‌های تحقیقاتی حاکی از این مسئله می‌باشد که رویکرد سیاست خارجی آمریکا در مبارزه با تروریسم از یک‌جانبه‌گرایی به چندجانبه‌گرایی در حال تغییر است.

مقاله با موضوع، سیاست مهاجرتی ایالات متحده آمریکا در دوران ترامپ به قلم حاجی یوسفی و دیگران همکاران که در سال (۱۴۰۲) در فصلنامه سیاست خارجی به چاپ رسیده است، یافته‌های تحقیقاتی حاکی از این مسئله می‌باشد که افول هنجارها سبب رشد ملی‌گرایی سیاسی و اقتصادی شده است این زمینه محدودیت‌هایی را در سیاست مهاجرتی آمریکا در دولت ترامپ فراهم آورده است.

مقاله با موضوع، ارتباطات عمومی و رهبری: مطالعه‌ای درباره سخنرانی‌های عمومی ترامپ و هریس به قلم میر کوشش و دیگران که در سال (۱۴۰۴) در فصلنامه مطالعات کشورها به چاپ رسیده است، یافته‌های تحقیقاتی حاکی از این مسئله می‌باشد که ارتباطات عمومی در رهبری سیاسی ابزاری قدرتمند است اثرگذاری این ابزار به ویژگی‌های شخصیتی رهبر و راهبردهای ارتباطی وی بستگی دارد.

مقاله با موضوع، دیوانه یا نابغه دیوانه؟ مزایای بین‌المللی و هزینه‌های داخلی استراتژی دیوانه به قلم شوارتز و دیگر همکاران که در سال (۲۰۲۳م) در فصلنامه مطالعات امنیتی<sup>۱</sup> به چاپ رسیده است،

<sup>1</sup> Security Studies

## نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

یافته‌های تحقیقاتی حاکی از این مسئله می‌باشد که از طریق مجموعه‌ای از پنج آزمایش پیمایشی جدید، شواهدی پیدا می‌کنم که نشان می‌دهد (در حوزه رهبران) جنون ادراک شده مزایای محدودی در چانه‌زنی اجباری در مقابل دشمنان خارجی ارائه می‌دهد، اما هزینه‌های داخلی قابل توجهی را نیز به همراه دارد که به‌طور بالقوه اثربخشی آن را کاهش می‌دهد.

مقاله با موضوع، تحلیل سبک سیاسی ترامپ پوپولیسم اقتدارگرا به قلم لیلا تولین که در سال (۲۰۲۵ م) در بخش مقالات تحلیلی برکلی به چاپ رسیده است، یافته‌های تحقیقاتی حاکی از این مسئله می‌باشد که بر اساس یافته‌ها، سه رهبری که نمونه بارز رویکرد پوپولیستی اقتدارگرایانه هستند، عبارت‌اند از دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا و ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان این افراد هستند. معتقدند در نهایت رویکردهایشان قانون و دمکراسی را قربانی می‌کند. در واقع مجموعه پیشینه نشان می‌دهد که موضوع پیش‌رو از نوآوری برخوردار است، البته مجموعه اسناد فوق می‌تواند در کلیات به مقاله پیش‌رو کمک ویژه‌ای داشته باشد.

## ۲- مبانی نظری

نظریه دیوانه یک نظریه سیاسی است که معمولاً با سیاست خارجی رئیس‌جمهور ایالات متحده ریچارد نیکسون و دولت وی مرتبط است که سعی داشت رهبران کشورهای متخاصم بلوک کمونیستی را وادار کند که نیکسون را غیرمنطقی و بی‌ثبات بدانند تا از ترس از تحریک ایالات متحده جلوگیری کنند. نظریه دیوانه که توسط رئیس‌جمهور ریچارد نیکسون در طول جنگ ویتنام به کار گرفته شد، شامل ارائه تصویری غیرقابل پیش‌بینی و تهاجمی برای ترساندن دشمنان و به دست آوردن اهرم فشار در مذاکرات بود. می‌توان گفت، هدف یک پاسخ غیرقابل پیش‌بینی است (Zachary et al, 2023). نظریه دارای چنین رویکردی است که فرض دارد با دیوانه‌ای روبرو هستیم که تهدیدهای به‌ظاهر باورنکردنی را معتبر جلوه می‌دهد. به‌عنوان مثال، در عصر تقابل و تخریب غیرقابل انکاری که هستیم، تهدیدهای یک رهبر منطقی برای تشدید اختلاف ممکن است خودکشی به نظر برسد و بنابراین به راحتی توسط دشمنان قابل رد است. با این حال، تهدیدهای خودکشی یک رهبر ممکن است معتبر به نظر برسند، اگر تصور شود که رهبر غیرمنطقی است. محققان روابط بین‌الملل نسبت به نظریه دیوانه به‌عنوان یک استراتژی برای موفقیت در چانه‌زنی‌های اجباری تردید دارند (Seitz et al, 2020: 31). یکی از مشکلات این است که دیگران را باور کنند که واقعاً یک دیوانه هستیم (McManus, 2025).

دشواری دیگر که در عرصه بین‌المللی و سیاسی متصور است این می‌باشد که ناتوانی یک دیوانه در اطمینان دادن به دیگران است که حتی اگر تسلیم خواسته‌ای خاص شوند، مجازات نمی‌شوند. بر اساس مطالعات انجام شده نظریه مرد دیوانه اغلب نتیجه معکوس دارد، اما تحت شرایط خاصی می‌تواند یک دارایی باشد (McManus et al., 2019: 976). مطالعه دیگری نشان داد که برای جنون درک شده هم مزایا و هم معایب چانه زنی وجود دارد (Schwartz, 2023: 271). مفهوم نظریه دیوانه حداقل به سال ۱۵۱۷ برمی‌گردد، زمانی که نیکولو ماکیاولی در شاهزاده نوشت که گاهی اوقات «شبه‌سازی جنون کاری بسیار عاقلانه است». اصل کلیدی نظریه مرد دیوانه این است که مخالفان را متقاعد کند که یک رهبر غیرقابل پیش‌بینی و بالقوه غیرمنطقی است و مایل به انجام اقداماتی است که هنجارها یا انتظارات مرسوم را به چالش می‌کشد. این تاکتیک روان‌شناختی بر این باور استوار است که عدم اطمینان و ترس می‌تواند محاسبات تصمیم‌گیری دشمنان را تغییر دهد و آن‌ها را به سمت دادن امتیاز یا اتخاذ مواضع آشتی‌جویانه‌تر سوق دهد. طرفداران نظریه دیوانه معتقدند با حفظ تعادل دشمنان و عدم اطمینان از حرکت بعدی رهبر، آن‌ها می‌توانند مزایای استراتژیک به دست آورند و نتایج مطلوب‌تری را تضمین کنند. منتقدان استدلال می‌کنند که نظریه دیوانه می‌تواند یک استراتژی مخاطره‌آمیز باشد، زیرا خطر اشتباه محاسباتی را افزایش می‌دهد و تنش‌ها را تشدید می‌کند و به‌طور بالقوه منجر به پیامدهای ناخواسته دیپلماتیک می‌شود (Taegan, 2024).

### ۳- مفهوم آسیب‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناختی

آسیب‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناختی دو حوزه‌ی علمی به هم پیوسته هستند که به بررسی و تحلیل مشکلات و ناهنجاری‌های موجود در سیستم‌های سیاسی و اجتماعی می‌پردازند. هر دو حوزه تلاش می‌کنند تا ریشه‌های مشکلات را شناسایی کرده و راه‌حل‌هایی برای کاهش یا رفع آن‌ها ارائه دهند. آسیب‌شناسی سیاسی به مطالعه بیماری‌ها یا ناهنجاری‌های موجود در سیستم‌ها و ساختارهای سیاسی می‌پردازد، در حالی که جرم‌شناختی به بررسی پدیده‌ی جرم، علل وقوع آن و روش‌های پیشگیری و کنترل آن اختصاص دارد. این دو حوزه از آن جهت به هم مرتبط هستند که ناهنجاری‌های سیاسی می‌توانند به افزایش جرائم و ناامنی‌های اجتماعی منجر شوند. اگر بخواهیم آسیب‌های سیاسی را از دید جامعه‌شناختی به‌صورت مصداقی بحث کنیم که اتفاق افتاده است با جلوگیری از کشتار آشکار و در نتیجه اجتناب از چشم‌انداز نظارت عمومی، کشورهای اتحادیه اروپا

سیاست‌های دقیق آسیب را برای کنترل گروه‌های نژادی از طریق ناتوانی به کار می‌گیرند (Davies et al., 2024: 1).

به‌عنوان مثال دیگر، فساد سیاسی که یکی از موضوعات اصلی در آسیب‌شناسی سیاسی است، می‌تواند باعث گسترش جرائم سازمان‌یافته و تضعیف حاکمیت قانون شود. همچنین، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از سیاست‌های ناعادلانه که در آسیب‌شناسی سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرند، ممکن است به افزایش جرائم و خشونت در جامعه بینجامند. از سوی دیگر، بحران‌های سیاسی و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن‌ها که در حوزه‌ی آسیب‌شناسی سیاسی تحلیل می‌شوند، می‌توانند زمینه‌ساز جرائم گسترده و ناامنی‌های اجتماعی باشند.

در این راستا، جامعه‌شناختی با بررسی علل وقوع و ارائه راه کارهای پیشگیرانه، می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی ناهنجاری‌های سیاسی کمک کند. برای مثال، با تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در وقوع جرم، می‌توان سیاست‌هایی را طراحی کرد که به کاهش نابرابری‌ها و بهبود شرایط زندگی افراد منجر شود. همچنین، مطالعه‌ی جرائم سازمان‌یافته و ارتباط آن‌ها با فساد سیاسی می‌تواند به تقویت حاکمیت قانون و مبارزه با فساد کمک نماید. نوعاً؛ ترکیب این دو حوزه‌ی علمی می‌تواند به درک عمیق‌تری از مشکلات سیاسی و اجتماعی منجر شود و راه کارهای جامع‌تری برای ایجاد ثبات، امنیت و عدالت در جامعه ارائه دهد. با تحلیل هم‌زمان ناهنجاری‌های سیاسی و عوامل جرم‌زای، می‌توان به راه‌حلی دست یافت که هم به بهبود عملکرد نظام‌های سیاسی و هم به کاهش جرائم و ناامنی‌های اجتماعی کمک کنند.

در خصوص آسیب‌شناسی می‌توان گفت تظاهرات آسیب‌شناختی شدیدی که در حوزه‌های اصلی سیاست رخ می‌دهد، ممکن است نابودی معنای اصلی آن‌ها را تعیین کند و فجایع واقعی را برای جوامع بشری رقم بزند. البته باید گفت مطالعه سیستماتیک آسیب‌شناسی سیاسی، مستلزم پیشنهاد‌های استراتژی و روش‌های درمانی و پیشگیری هنوز وجود ندارد (Dragodan, 2012).

## ۴- یافته‌های تحقیقاتی

### ۴-۱- غیرقابل پیش‌بینی بودن

غیرقابل پیش‌بینی بودن تصمیمات رهبران سیاسی یکی از موضوعات مهم در تحلیل رفتار سیاسی و روابط بین‌المللی است. این ویژگی می‌تواند هم به‌عنوان یک استراتژی آگاهانه و هم به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی در رهبران ظاهر شود و تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست داخلی و بین‌المللی داشته

باشد. در بسیاری از موارد، رهبران سیاسی عمداً خود را غیرقابل پیش‌بینی نشان می‌دهند تا اهداف خاصی را دنبال کنند. برای مثال، این استراتژی می‌تواند به ایجاد ترس و احتیاط در طرف‌های مقابل منجر شود، به‌ویژه در مذاکرات سیاسی یا شرایط بحرانی. اگر رهبری غیرقابل پیش‌بینی باشد، طرف‌های مقابل ممکن است از اقدامات تهاجمی خودداری کنند یا حتی امتیازات بیشتری به او بدهند تا از اقدامات غیرمنطقی یا شدید جلوگیری کنند. اینجاست که نوعی جنون بر طرف مقابل حاکم می‌شود ادراک جنون می‌تواند اعتبار تهدیدها را به‌ویژه در موقعیت‌های پرمخاطره مانند مذاکرات افزایش دهد (Schwartz, 2023). این رویکرد به‌ویژه در «تئوری مرد دیوانه»<sup>۱</sup> که توسط ریچارد نیکسون مطرح شد، دیده می‌شود. نیکسون تلاش کرد تا رهبران ویتنام شمالی را متقاعد کند که ممکن است اقدامات غیرمنطقی و شدیدی مانند استفاده از سلاح‌های هسته‌ای انجام دهد تا آن‌ها را به مذاکره وادار کند. ارائه تصویر دیوانگی را برای اعتبار بخشیدن به تهدیدهای برخی سیاستمداران مبنی بر استفاده از تسلیحات هسته‌ای و وادار کردن دشمنان قبل از اتخاذ هر تصمیمی در دوران معاصر همانند بحران جنگ بین دو کشور روسیه و اوکراین مشاهده شده است (Wasiuta, 2023: 61; Ploom, 2020: 205).

با این حال، غیرقابل پیش‌بینی بودن همیشه یک استراتژی آگاهانه نیست. در برخی موارد، این ویژگی می‌تواند ناشی از شخصیت یا سبک رهبری فرد باشد. برخی رهبران به دلیل تمرکز قدرت در دست خود، بدون مشورت با دیگران تصمیم‌گیری می‌کنند که این امر می‌تواند به تصمیمات غیرمنطقی یا غیرقابل پیش‌بینی منجر شود. همچنین احساسات، تعصبات یا باورهای شخصی رهبران ممکن است بر تصمیمات آن‌ها تأثیر بگذارد و پیش‌بینی رفتارشان را دشوار کند. در منابع معاصر آمریکایی بر این نکته صحه گذاشته شده است که هم نیکسون و هم ترامپ استراتژی‌های مشابهی را به کار گرفته‌اند و از قابلیت پیش‌بینی ناپذیری برای هدایت روابط بین‌المللی و بحران‌ها استفاده می‌کنند (Absalomovich et al., 2022: 83).

برای مثال، رفتار دونالد ترامپ (دوره اول ریاست جمهوری‌اش)، اغلب به‌عنوان غیرقابل پیش‌بینی توصیف می‌شد. او گاهی اوقات تصمیماتی می‌گرفت که حتی هم‌حزبی‌هایش را نیز غافلگیر می‌کرد. غیرقابل پیش‌بینی بودن تصمیمات رهبران می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی داشته باشد. این ویژگی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار استراتژیک عمل کند و طرف‌های مقابل را از اقدامات تهاجمی بازدارد. از سوی دیگر، این رفتار می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی، از دست دادن اعتماد و افزایش

<sup>1</sup> Madman Theory

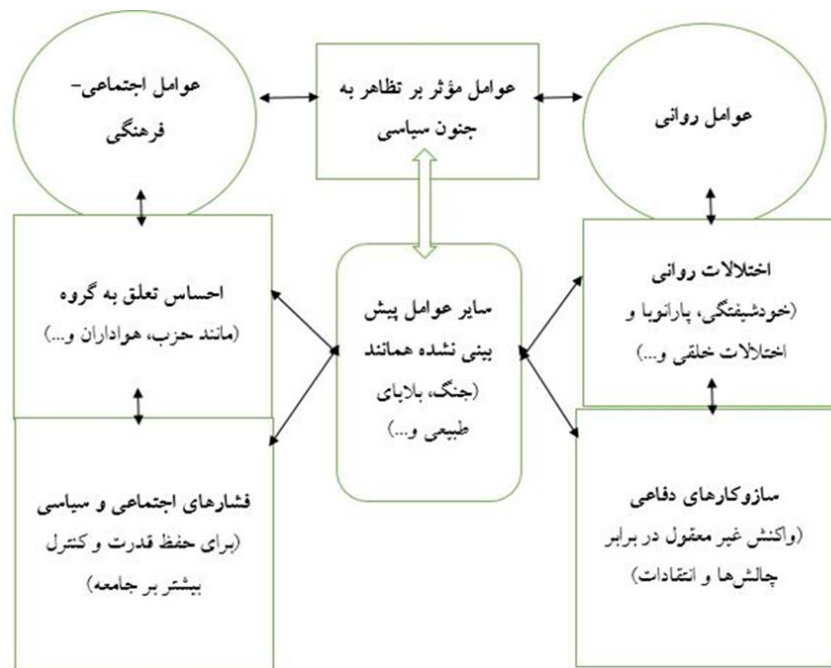
تنش‌های بین‌المللی منجر شود. در خصوص ترامپ نقل است به سال اواخر سال ۲۰۱۵ و اوایل سال ۲۰۱۶ م در بحبویه مبارزات انتخاباتی دوره اول که منجر به ریاست‌جمهوری‌اش شد در اولین سخنرانی مهم سیاست خارجی در آن کمپین، او سیاست خارجی ایالات متحده را در طول سال‌های باراک اوباما مورد انتقاد قرار داد و گفت: «ما به‌عنوان یک ملت باید غیرقابل پیش‌بینی تر باشیم» (Drezner, 2025).

نگارنده در ارائه تحلیل شخصی از این وضعیت بر این عقیده استوار است که در سطح بین‌المللی، غیرقابل پیش‌بینی بودن می‌تواند به افزایش تنش‌ها و حتی درگیری‌های نظامی منجر شود. علاوه بر این، اگر رهبری به‌طور مداوم غیرقابل پیش‌بینی باشد، ممکن است اعتماد مردم، متحدان و حتی دشمنان را از دست بدهد. پیش‌بینی رفتار رهبران غیرقابل پیش‌بینی دشوار است، اما برخی روش‌ها می‌توانند به درک بهتر این رفتار کمک کنند. تحلیل شخصیت و سبک رهبری اشخاص سیاسی، بررسی انگیزه‌ها و اهداف او و تحلیل زمینه‌های تاریخی و فرهنگی می‌تواند به پیش‌بینی تصمیمات ایشان کمک کنند. نتیجتاً، غیرقابل پیش‌بینی بودن تصمیمات رهبران سیاسی می‌تواند هم به‌عنوان یک ابزار تاکتیکی و هم به‌عنوان یک تهدید جدی برای ثبات سیاسی و بین‌المللی عمل کند. درک این رفتار نیازمند تحلیل عمیق شخصیت، انگیزه‌ها و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی رهبران است. در مورد ترامپ نمونه کوچکی آن در جنگ تعرفه‌ای با چین بود که بعداً در نامه‌ای به شی جی پینگ او را عشق خود قلمداد می‌کند.

### ۴-۲- تظاهر به جنون سیاسی و حب قدرت

بسیاری از سیاستمداران به اختلالاتی چون خودشیفتگی (نارسیسیسم) مبتلا هستند که شامل خودپسندی، تکبر و عدم پذیرش انتقاد می‌شود. این اختلالات می‌توانند بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های سیاسی آن‌ها تأثیر بگذارند. در برخی موارد، این ویژگی‌ها منجر به ایجاد بحران‌های جدی در جوامع می‌شود، زیرا این رهبران قادر به درک واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی نیستند و بیشتر به توهمات خود متکی است. در خصوص دیکتاتوران سیاسی که معمولاً تظاهر به جنون سیاسی و حب قدرت علی‌الاصول در آن‌ها بیشتر نمود دارد بر اساس تحقیقاتی که انجام شده است نتایج حاکی از آن است که تبعاتی همچون وجود زندانیان مخالف سیاسی از طریق جنگ‌طلبی، خشونت بالا در سطح داخلی برای کنترل شورش‌های احتمالی، حلقه نزدیکان محدود که اغلب فاسدند، وجود رفتارهای تکانشی و بی‌پروا، دروغ گفتن به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مزایا و منفعت شخصی و... از کم‌ترین تبعات جرم‌شناختی این اختلالات روانی است (Mousavi Fard and Dodangeh, 2021:1).

آنان از مشکلات عاطفی دوران کودکی و نوجوانی رنج می‌برند که ممکن است آن‌ها را به سمت فعالیت‌های سیاسی سوق دهد. این افراد با احساس قدرت ناشی از سیاست، سعی در جبران ناکامی‌های گذشته دارند. این نوع رفتار می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات خطرناک و غیرانسانی شود. باید دانست مؤلفه مشروعیت در یک نظام سیاسی، اساس و مبنای حاکمیت حاکمان و اطاعت شهروندان از قدرت سیاسی است (Mirghiyati, 2012: 137). حب قدرت در میان سیاستمداران می‌تواند به شکل تظاهر به جنون یا رفتارهای غیرمعقول بروز کند. این تظاهر ممکن است به عنوان یک استراتژی برای فرار از مسئولیت‌ها یا برای حفظ قدرت استفاده شود. در برخی موارد، این رفتارها به دلیل عدم توانایی در کنترل اوضاع سیاسی و اجتماعی ناشی از فشارهای بیرونی شکل می‌گیرد. تظاهر به جنون سیاسی و حب قدرت در سیاستمداران نه تنها بر رفتار فردی آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بلکه پیامدهای جدی برای جامعه دارد. شناخت این ویژگی‌ها و اختلالات روانی می‌تواند به فهم بهتر رفتارهای سیاسی آنان کمک کند و راهکارهایی برای جلوگیری از بحران‌های ناشی از چنین رفتارهایی ارائه دهد. تظاهر به جنون سیاسی در سیاستمداران می‌تواند ناشی از عوامل متعددی باشد که به طور کلی به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند که در قالب نمودار ذیل قابل نمایش و تجزیه و تحلیل است.



### ۳-۴- عملکرد غیرمنطقی سیاسی و منفعت‌گرا

عملکرد غیرمعمول رهبران سیاسی در چارچوب منفعت‌گرایی می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد. از یک‌سو، این رویکرد می‌تواند به تصمیم‌گیری‌هایی منجر شود که به نفع اکثریت جامعه است. از سوی دیگر، ممکن است به سوءاستفاده از قدرت، قربانی کردن اقلیت‌ها یا تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت بینجامد که در بلندمدت آسیب‌زا می‌باشند؛ بنابراین، درک تعادل بین منفعت‌گرایی و اصول اخلاقی فردی و جمعی برای رهبران سیاسی به عقیده نگارنده امری ثابت و ضروری است. دیدگاه واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل بر این باور است که ملت‌ها اساساً در جهت منافع شخصی خود عمل می‌کنند و اغلب قدرت را با مشروعیت یکسان می‌دانند. این دیدگاه از این ایده حمایت می‌کند که رهبران سیاسی ممکن است در اعمال غیراخلاقی برای تقویت قدرت ملت خود یا موقعیت خود در آن شرکت کنند (See: Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2023).

رهبران سیاسی اغلب با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه می‌شوند که نیازمند تصمیم‌گیری‌های سریع و مؤثر است. در این شرایط، رویکرد منفعت‌گرایی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مفید برای ارزیابی گزینه‌ها و انتخاب بهترین مسیر عمل کند. با این حال، مشکل اصلی زمانی رخ می‌دهد که این رویکرد به شکلی سطحی یا نادرست به کار گرفته شود. برای مثال، رهبران ممکن است به جای در نظر گرفتن تأثیرات بلندمدت تصمیمات خود، تنها بر نتایج کوتاه‌مدت تمرکز کنند. این امر می‌تواند منجر به سیاست‌هایی شود که در ابتدا موفق به نظر می‌رسند، اما در نهایت مشکلات بزرگ‌تری ایجاد می‌کنند. یکی از نمونه‌های رایج این مسئله، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی است که در کوتاه‌مدت باعث رشد سریع می‌شوند، اما در بلندمدت منجر به تورم، بدهی ملی بالا یا نابرابری اقتصادی می‌گردند. در چنین مواردی، رهبران ممکن است با توجه منفعت‌گرایانه، این سیاست‌ها را اجرا کنند، اما پیامدهای منفی آن را نادیده بگیرند. این نوع تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند و باعث شود مردم احساس کنند که منافع آن‌ها فدای اهداف کوتاه‌مدت شده است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، رهبران سیاسی ممکن است از منفعت‌گرایی برای توجیه اقداماتی استفاده کنند که به

<sup>۱</sup> اگر بخواهیم به صورت مصداقی به آن اشاره کنیم می‌توان گفت در بسیاری از کشورهای آفریقایی، رهبران سیاسی به عنوان «حامیان» یا «سودجو» توصیف شده‌اند که از منابع دولتی برای تحکیم قدرت و ثروت استفاده می‌کنند. نمونه‌های تاریخی شامل رهبرانی مانند معمر قذافی و رابرت موگابه است که با ترکیبی از حمایت سیاسی و سرکوب مخالفان، کنترل خود را حفظ کردند. رژیم‌های آن‌ها اغلب غنی‌سازی شخصی را بر توسعه ملی اولویت می‌دادند که منجر به فساد گسترده و مشکلات اقتصادی برای شهروندان می‌شود (See: Key Theories of International Relations, 2022).

ظاهر برای منافع عمومی ضروری هستند، اما در واقعیت حقوق فردی یا گروه‌های خاصی را زیر پا می‌گذارند. برای مثال، در شرایط بحرانی مانند جنگ یا همه‌گیری، رهبران ممکن است محدودیت‌های شدیدی بر آزادی‌های مدنی اعمال کنند. در حالی که این اقدامات ممکن است برای حفظ نظم و امنیت عمومی ضروری به نظر برسند، اما می‌توانند به سوءاستفاده از قدرت یا سرکوب مخالفان بینجامند. در چنین مواردی، تعادل بین منافع عمومی و حقوق فردی به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد (Ibid). جهت شخص ترامپ به صورت خاصه می‌توان گفت منتقدان او را به نفع‌طلبی متهم کنند و برخی حمایت‌های او را به‌عنوان تلاش برای حفظ و گسترش منافع شخصی‌اش قلمداد می‌کنند (Mayer, 2016: 1). در تحقیقات دیگری که به‌صورت مستقل انجام شده آمده است، منفعت شخصی چقدر نگرش سیاست‌آمریکایی‌ها را هدایت می‌کند؟ تحقیقات پیمایشی معمولاً نشان می‌دهد که نقش منفعت شخصی حداقل است (Marble & Nall, 2020: 1747). برخی نویسندگان ترامپ را به‌عنوان یک ماکیاولی نیک توصیف می‌کنند که بر اساس خودخواهی و منافع شخصی رأی‌دهندگان، کمپین خود را پایه‌گذاری کرده است. او به مسائلی چون تجارت آزاد و مهاجرت اشاره می‌کند که به نظر او به ضرر کارگران آمریکایی بوده است (Holloway, 2017: 11).

به عقیده نویسنده بر این رویکرد استوار می‌باشد که علاوه بر این، رهبران سیاسی ممکن است در سیاست خارجی نیز از رویکرد منفعت‌گرایانه استفاده کنند. برای مثال، آن‌ها ممکن است با رژیم‌های استبدادی همکاری کنند یا در امور داخلی دیگر کشورها دخالت نمایند تا منافع ملی خود را تأمین کنند.<sup>۱</sup> در حالی که این اقدامات ممکن است به نفع کشور خودشان باشد، اما می‌تواند به بی‌ثباتی، جنگ یا رنج مردم دیگر کشورها منجر شود. این نوع سیاست‌ها اغلب با انتقادات بین‌المللی مواجه می‌شوند و می‌توانند اعتبار اخلاقی رهبران و کشورشان را زیر سؤال ببرند. هرچند برخی از رهبران سیاسی براساس رویکردهای نظریه نئورئالیسم نوعاً چنین اقداماتی را ابزارهای مؤثری برای پیشبرد منافع ملی قلمداد می‌نمایند. اگر بخواهیم به رویکرد منفعت‌گرای ترامپ اشاره کنیم نمونه بارز آن استفاده از ایلان ماسک بود که با سرمایه‌گذاری عجیب باعث پیروزی ترامپ در انتخابات اخیر آمریکا شد؛ ولی پس از به قدرت رسیدن با وی دچار اختلاف شده است.

<sup>۱</sup> همانند همکاری روسیه با کره شمالی نمونه چنین سیاستی است

#### ۴-۴- رویکردهای پوپولیستی و بسیج توده‌ها منتج به قهرمان سازی

رویکردهای پوپولیستی و بسیج توده‌ها توسط سیاستمداران از جمله روش‌های رایج در عرصه‌ی سیاست است که در آن سیاستمداران سعی می‌کنند با جلب حمایت توده‌های مردم، قدرت خود را افزایش دهند. این رویکردها معمولاً بر اساس ایجاد ارتباط مستقیم با مردم، استفاده از شعارهای ساده و احساسی و تأکید بر شکاف بین «مردم عادی» و «نخبگان» یا «نظام حاکم» در بعد داخلی و خارجی شکل می‌گیرند. تحقیقاتی که در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ انجام شده، نشان می‌دهد که چگونه ترامپ و حامیان‌ش از موضوعات سیاست خارجی پوپولیستی برای بیان مواضع سیاسی خود در رسانه‌ها استفاده می‌کنند (Boucher et al, 2019: 712).

سیاستمداران پوپولیست معمولاً از شعارهای ساده و قابل فهم برای عموم مردم استفاده می‌کنند که اغلب احساسی هستند و بر مسائلی مانند عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و بهبود شرایط زندگی متمرکز دارند. به عنوان مثال، شعارهایی مانند «ما برای مردم عادی کار می‌کنیم» یا «فساد را ریشه کن خواهیم کرد» از جمله این موارد است. مثلاً برخی معتقدند ترامپ از سیاست خارجی به عنوان بستری برای تولید یک ائتلاف پوپولیستی- ملی‌گرا استفاده کرده است (Wojczewski, 2019: 292). نوعاً تأکید بر هویت ملی یا گروهی نیز از دیگر ویژگی‌های پوپولیست‌ها است. بسیاری از آن‌ها بر هویت ملی، قومی یا مذهبی تأکید می‌کنند و سعی دارند با تحریک احساسات ملی‌گرایانه یا مذهبی، حمایت توده‌ها را جلب نمایند. شعارهایی مانند «ما باید از ارزش‌های ملی و مذهبی خود دفاع کنیم» از این جمله هستند. در توصیف دولت اول ترامپ برخی از نویسندگان غربی به بهره‌گیری ترامپ از استراتژی «امنیت‌سازی پوپولیستی» تأکید دارند (Magcamit, 2017: 6).

پوپولیست‌ها معمولاً از نظام سیاسی و اقتصادی موجود انتقاد می‌کنند و وعده‌ی تغییرات اساسی را می‌دهند. آن‌ها خود را به عنوان نیروی معرفی می‌کنند که می‌تواند نظام فاسد را تغییر دهد. برای مثال، جملاتی مانند «نظام فعلی شکست خورده است و ما باید آن را از پایه تغییر دهیم» از این دسته هستند. برخی تصریح دارند شعارهای سیاست خارجی ترامپ عمدتاً با هدف ایجاد حس بحران (پوپولیست پسند) است (Hall, 2020: 48).

بسیج توده‌ها یکی از ابزارهای اصلی پوپولیست‌ها است. آن‌ها سعی می‌کنند با سازمان‌دهی تجمعات، راهپیمایی‌ها و کمپین‌های تبلیغاتی، مردم را به حمایت از خود تشویق کنند. سازمان‌دهی راهپیمایی‌های بزرگ برای نشان دادن قدرت مردمی نمونه‌ای از این روش است. پوپولیست‌ها معمولاً وعده‌های بزرگ و سریع می‌دهند که اغلب غیرواقعی‌بانه هستند. این وعده‌ها می‌تواند شامل بهبود

سریع اقتصاد، ایجاد شغل یا حل مشکلات اجتماعی باشد. برای مثال، شعارهایی مانند «ما ظرف شش ماه فقر را ریشه کن خواهیم کرد» از این جمله هستند. علی‌ایحال مرتبط با ترامپ آمده است شکاف بین لفاظی‌های ترامپ و اقدامات او، ارزیابی شک آمیزتر از گستردگی و عمق پوپولیسم آمریکا را توجیه می‌کند (Pierson, 2017).

پوپولیست‌ها اغلب از بحران‌های سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی برای افزایش محبوبیت خود استفاده می‌کنند. آن‌ها بحران‌ها را به‌عنوان نشانه‌ای از شکست نظام موجود معرفی می‌کنند و خود را به‌عنوان راه‌حل ارائه می‌دهند. برای مثال، جملاتی مانند «این بحران نشان می‌دهد که نظام فعلی کارایی ندارد و ما باید تغییر ایجاد کنیم» از این دسته هستند. بر اساس تحقیقات کمیسیون سیاست عمومی لنست برخی معتقدند شکست‌ها و شکاف‌های اجتماعی را که باعث انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا شده است (Woolhandler et al., 2021: 705).

شخصی‌سازی سیاست نیز از دیگر ویژگی‌های پوپولیست‌ها است. آن‌ها معمولاً سیاست را حول شخصیت خود می‌چرخانند و خود را به‌عنوان نماد تغییر و نجات‌دهنده‌ی کشور معرفی می‌کنند. شعارهایی مانند «تنها من می‌توانم کشور را نجات دهم» نمونه‌ای از این روش است. برخی نتیجه‌گیری کلی با این رویکرد از شخصیت ترامپ داشته‌اند معتقدند ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نیز مانند نامزدی‌اش در انتخابات، به‌عنوان پوپولیستی تمام عیار توصیف شده و اساساً سنت‌های لیبرال انترناسیونالیستی سیاست خارجی آمریکا را در هم شکسته است (Lacatus, 2020: 31). سبک پوپولیستی ترامپ با شخصیت‌های تاریخی مانند جورج والاس که به‌طور مشابه از ترس‌های فرهنگی سوء استفاده می‌کنند و در عین حال سیاست‌هایی را ترویج می‌کنند که در نهایت به منافع اقتصادی رأی دهندگان‌شان آسیب می‌زند، مشابهت دارد. منتقدان استدلال می‌کنند که سیاست‌های ترامپ ممکن است منجر به «مسابقه به سمت پایین» شود، جایی که منافع شرکت‌ها بر نیازهای آمریکایی‌های طبقه کارگر سایه می‌اندازد (See: Brucie, 2024).

سیاست‌های پوپولیستی ترامپ منعکس‌کننده یک تعامل پیچیده از حمایت‌گرایی اقتصادی، سیاست هویت فرهنگی و چالشی برای ارتدوکس سنتی جمهوری خواه است. این عناصر نه تنها با پایگاه او طنین‌انداز می‌شوند، بلکه پرسش‌های مهمی را در مورد پیامدهای بلندمدت برای دموکراسی و حکومت آمریکا مطرح می‌کنند. پوپولیسم ترامپ اغلب با مسائل فرهنگی تلاقی می‌کند و از لفاظی‌های تفرقه‌انگیز حول هویت و مهاجرت برای جلب حمایت استفاده می‌کند. روایت او خود را به‌عنوان قهرمان آمریکایی‌های «فراموش شده» در برابر نخبگان فاسد نشان می‌دهد که در میان بسیاری

از کسانی که احساس می‌کنند به دلیل تغییرات اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند، طنین‌انداز شده است (Viala-Gaudefroy, 2021; Thulin, 2025).

## نتیجه‌گیری

برآیند حاضر را به‌عنوان برداشت نگارنده از این مقاله تحقیقاتی چنین توصیف می‌نماید که دونالد ترامپ در دوران اول ریاست‌جمهوری خود از تئوری «مرد دیوانه» به‌عنوان یک استراتژی سیاسی و خارجی استفاده کرد. این تئوری که ابتدا توسط ریچارد نیکسون و هنری کیسینجر طراحی شده بود، به معنای ایجاد تصویری غیرقابل پیش‌بینی و تهدیدآمیز از رئیس‌جمهور به‌منظور ترساندن رقبای بین‌المللی است. ترامپ با اتخاذ رویکرد «مرد دیوانه»، سعی داشت تا با رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و تهدیدات افراطی، رقبای خود را تحت فشار قرار دهد. این رویکرد در برخی موارد مانند تهدید به نابودی کره شمالی و رفتارهای تند در مذاکرات تجاری با کره جنوبی مشاهده شد. با این حال، نتایج این سیاست‌ها معمولاً نامشخص و متناقض بودند. به‌عنوان مثال، در حالی که ترامپ توانست امتیازات محدودی از کره جنوبی کسب کند، بسیاری از تهدیدات او هیچ دستاورد سیاسی قابل توجهی نداشت. پس از شکست در انتخابات ۲۰۲۰، ترامپ همچنان بر حزب جمهوری‌خواه تسلط داشت و تلاش کرد تا با اتهامات تقلب در انتخابات، مشروعیت خود را حفظ کند. این رفتارها منجر به ایجاد شکاف‌های عمیق در حزب و نگرانی از تأسیس یک حزب سوم توسط او شد. همچنین، استیضاح دوم ترامپ به دلیل تحریک به شورش در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ نشان‌دهنده بحران‌های سیاسی عمیق‌تر در دوران ریاست‌جمهوری او بود. رویکرد ترامپ به سیاست و استفاده از لفاظی‌های تند باعث تقسیم عمیق‌تر جامعه آمریکایی شد. او با استفاده از زبان خشم و نفرت، توانست بخشی از جامعه را بسیج کند، اما در عین حال تنش‌ها و اختلافات را نیز افزایش داد. این وضعیت منجر به ظهور گروه‌های افراطی و افزایش خشونت‌های سیاسی گردید. استفاده از تئوری «مرد دیوانه» نه تنها بر سیاست خارجی تأثیر گذاشت، بلکه هنجارهای اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار داد. رفتارهای غیرمعمول ترامپ باعث شد تا برخی از نهادهای دولتی و اجتماعی دچار بی‌اعتمادی شوند و احساس عدم امنیت در جامعه گسترش یابد. دوران ریاست‌جمهوری ترامپ با چالش‌های سیاسی و اجتماعی قابل توجهی همراه بود که ناشی از استراتژی‌های غیرمعمول او بود. این آسیب‌ها نه تنها بر ساختار سیاسی ایالات‌متحده تأثیر گذاشتند بلکه تبعات عمیقی بر جامعه نیز داشتند. ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود به‌طور عمدی تصویری از خود به‌عنوان یک رهبر غیرقابل پیش‌بینی ارائه کرد.

او بارها به این نکته اشاره کرده بود که باید در سیاست خارجی و داخلی «غیرقابل پیش‌بینی» عمل کند تا دیگر کشورها را وادار به امتیازدهی کند. این رفتار شامل لفاظی‌های تند و تهدیدات شدید بود، ترامپ در کارزار انتخاباتی خود به صراحت از احساسات خشم خود بهره می‌برد و این موضوع را بخشی از هویت سیاسی خود قرار داد. این رویکرد باعث شد تا او به‌عنوان یک شخصیت عصبانی و غیرقابل پیش‌بینی شناخته شود. استراتژی «مرد دیوانه» ترامپ بیشتر در سیاست خارجی او نمایان بود. او با استفاده از این رویکرد سعی داشت تا از طریق تهدیدات شدید، کشورهایمانند کره شمالی را تحت فشار قرار دهد تا امتیازاتی کسب کند. این استراتژی در برخی موارد موفقیت‌هایی نیز به همراه داشت، هرچند نتایج آن غالباً متناقض بود.

بسیاری از رهبران جهانی ترامپ را واقعاً دیوانه می‌دانستند و او نیز از این شهرت به‌عنوان یک دارایی راهبردی بهره می‌برد. این وضعیت باعث شد تا برخی کشورها نسبت به او محتاط‌تر شوند و در مذاکرات با او احتیاط بیشتری نشان دهند. این عوامل مجتمعاً باعث شدند که ترامپ به‌عنوان «مرد دیوانه» شناخته شود، شخصیتی که نه تنها بر سیاست‌های داخلی ایالات متحده تأثیر گذاشت بلکه روابط بین‌المللی را نیز تحت تأثیر قرار داد. تأثیرات این رویکرد می‌تواند در قالب جدول ذیل (به عقیده نگارنده) بازشناسی و جمع‌بندی کرد:

<p>۱- رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی: ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود به‌طور عمدی تصویری از خود به‌عنوان یک رهبر غیرقابل پیش‌بینی ارائه کرد. او بارها به این نکته اشاره کرده بود که باید در سیاست خارجی و داخلی «غیرقابل پیش‌بینی» عمل کند تا دیگر کشورها را وادار به امتیازدهی کند.</p>
<p>۲- استفاده از لفاظی‌ها تند: در سخنرانی‌های خود، ترامپ از لحن خشم‌آلود و تهدیدآمیز استفاده می‌کرد. اینجا به‌عنوان یک رویکرد و یا به‌عنوان یک ابزار سیاسی برای ایجاد ترس در رقبای داخلی و بین‌المللی نیز عمل می‌کند.</p>
<p>۳- تأکید بر احساسات و خشم: این رویکرد باعث شد تا او به‌عنوان یک شخصیت عصبانی و غیرقابل پیش‌بینی شناخته شود. رقبا در سطح داخلی و خارجی نمی‌تواند تمهیدات لازم را برای حرکات غیرمترقبه وی پیش‌بینی کنند به همین دلیل احساس می‌کند چنین رفتاری باعث می‌شود دست برتر با وی باشد.</p>
<p>۴- رویکردی منفعت‌گرا و معامله‌گر به داخل در تأثیر بر روابط بین‌المللی آمریکا: سعی دارد با رویکردهای اقتصادی و سیاسی تقویت موقعیت برتری اقتصادی و سیاسی و نظامی آمریکا را بدون مخارج اضافی تأمین نماید.</p>

## تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

### Translated References to English

- A.-M. Dragodan. (2012). Is there a political pathology? Article available online: [https://www.researchgate.net/publication/293286578\\_Is\\_there\\_a\\_political\\_pathology](https://www.researchgate.net/publication/293286578_Is_there_a_political_pathology)
- Davies, T., Isakjee, A., Obradovic-Wochnik, J. (2024). The Politics of Injury: debilitation and the right to maim at the EU border. *Geopolitics*. <https://doi.org/10.1080/14650045.2024.2339894>
- Joshua A., Schwartz. (2024). Madman or Mad Genius? The International Benefits and Domestic Costs of the Madman Strategy. *Social Science Research Network*. doi: [10.2139/ssrn.4818430](https://doi.org/10.2139/ssrn.4818430)
- Sorimsokov, Uchqun, Soatboy, o., Narimonov, Bahodir, Absalomovich. (2022). The unpredictability factor: Nixon, Trump and the application of the Madman Theory in US grand strategy. doi: [10.4324/9781003332190-5](https://doi.org/10.4324/9781003332190-5)
- Viljar, V. Illimar, P. (2023). President Putin: A holy mad man or a brave but trapped chicken in Ukraine?. *Comparative Strategy*, 42(1).
- Olga, W. (2022). Zagrożenia nuklearne I teoria szaleńca w rosyjskiej retoryce wojennej. *Rocznik Instytutu Europy Środkowo-Wschodniej*, 20(4):.
- Drezner, D.W. (2025). Will Trump's madman theory work? *Foreign Policy*. Online access to the article: <https://foreignpolicy.com/2025/01/07/madman-theory-international-relations-unpredictability>.
- Author, G. (2022). Key theories of international Relations.. *Norwich University Online*. Online access: <https://online.norwich.edu/online/about/resource-library/key-theories-international-relations>
- Political realism in International Relations (Stanford Encyclopedia of Philosophy). (2023, October 9). <https://plato.stanford.edu/entries/realism-intl-relations>
- Mayer, J. (2016). Donald Trump's ghostwriter tells all. *The New Yorker*. <https://www.newyorker.com/magazine/2016/07/25/donald-trumps-ghostwriter-tells-all>
- Marble, W., Nall, C. (2020). Where Self-Interest trumps ideology: liberal homeowners and local opposition to housing development. *The Journal of Politics*, 83(4),. <https://doi.org/10.1086/711717>
- Holloway, C. (2017). Donald Trump, Principe. *First Things: A Monthly Journal of Religion and Public Life*, (275), Online access to this [article.link.gale.com/apps/doc/A499915242/AONE?u=anon~79851b21&sid=googleScholar&xid=fcb13213](https://www.gale.com/apps/doc/A499915242/AONE?u=anon~79851b21&sid=googleScholar&xid=fcb13213)
- Wojczewski, T. (2019). Trump, populism, and American foreign policy. *Foreign Policy Analysis*, 16(3),. <https://doi.org/10.1093/fpa/orz021>
- Hall, J. (2020). In search of enemies: Donald Trump's populist foreign policy rhetoric. *Politics*, 41(1),. <https://doi.org/10.1177/0263395720935377>
- Boucher, J., Thies, C.G. (2019). I Am a Tariff Man: The Power of Populist Foreign Policy Rhetoric under President Trump. *The Journal of Politics*, 81(2),. <https://doi.org/10.1086/702229>
- Lacatus, C. (2020). Populism and President Trump's approach to foreign policy: An analysis of tweets and rally speeches. *Politics*, 41(1),. <https://doi.org/10.1177/0263395720935380>
- Magcamit, M. (2017). EXPLAINING THE THREE-WAY LINKAGE BETWEEN POPULISM, SECURITIZATION, AND REALIST FOREIGN POLICIES: President

- Donald Trump and the pursuit of “America First” doctrine. *World Affairs*, 180(3), <https://doi.org/10.1177/0043820017746263>
- Woolhandler, S., Himmelstein, D.U., Ahmed, S., Bailey, Z., Bassett, M.T., Bird, M., Bor, J., Bor, D., Carrasquillo, O., Chowkwanyun, M., Dickman, S. L., Fisher, S., Gaffney, A., Galea, S., Gottfried, R.N., Grumbach, K., Guyatt, G., Hansen, H., Landrigan, P.J.,... Venkataramani, A. (2021). Public policy and health in the Trump era. *The Lancet*, 397(10275), [https://doi.org/10.1016/s0140-6736\(20\)32545-9](https://doi.org/10.1016/s0140-6736(20)32545-9)
- Pierson, P. (2017). American hybrid: Donald Trump and the strange merger of populism and plutocracy. *British Journal of Sociology*, 68(S1). <https://doi.org/10.1111/1468-4446.12323>
- Brucie Porter (2024). History offers a warning about Donald Trump’s brand of populism. *TIME*. <https://time.com/7198869/george-wallace-donald-trump-populism>
- Viala-Gaufrey, J. (2021). How Donald Trump’s populist narrative led directly to the assault on the US Capitol. *The Conversation*. <https://theconversation.com/how-donald-trumps-populist-narrative-led-directly-to-the-assault-on-the-us-capitol-153277>
- Thulin, L. (2025). There’s a term for Trump’s political style: authoritarian populism - *Berkeley News*. *Berkeley News*. <https://news.berkeley.edu/2025/01/21/theres-a-term-for-trumps-political-style-authoritarian-populism>
- Jacobson, Z.J. (2023). *On Nixon's madness: an emotional history*. Baltimore: Johns Hopkins University Press. ISBN 978-1-4214-4553-3.
- Seitz, Samuel; Talmadge, Caitlin (2020-07-02). The Predictable Hazards of Unpredictability: Why Madman Behavior Doesn't Work. *The Washington Quarterly*. 43 (3):. doi:10.1080/0163660X.2020.1810424. ISSN 0163-660X. S2CID 221751754
- McManus, R. (2025). The Limits of the Madman Theory: How Trump’s unpredictability could hurt his foreign policy. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/usa/limits-madman-theory>
- McManus, R.W. (2019). Revisiting the Madman Theory: Evaluating the Impact of Different Forms of Perceived Madness in Coercive Bargaining. *Security Studies*. 28 (5):.. ISSN 0963-6412. S2CID 203470748.
- Schwartz, J.A. (2023). Madman or Mad Genius? The International Benefits and Domestic Costs of the Madman Strategy. *Security Studies*. 32 (2).
- Taegan. (2024). Madman Theory - *Political Dictionary*. In *Political Dictionary*. <https://politicaldictionary.com/words/madman-theory>
- Mirghiyati, S.A. (2012). The foundations of the legitimacy of political power in Islamic political thought. *Cognitive Research( horizon of wisdom)*, 1(4). [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/232779/fa>
- Mousavi Fard, S.M.R. and Dodangeh, A. (2021). A Psychological Study with Sociological Impacts on the Behavior of Political Dictator Leaders (With Emphasis on Criminal Teachings). *Crisis Studies of the Islamic World*, 8(3), 1-21. [In Persian]